

## ابعاد هولناک استثمار کارگران در ایران

دستمزدهای به کارگر پرداخت می‌شود که تأمین کننده حداقل معاش او باشد، در ایران دستمزدی که به کارگران پرداخت می‌شود تا بدان حد ناچیز است که مطلقاً تأمین کننده این حداقل معیشت نیست. امروزه حتی کارگرانی که دهها سال سابقه کار و تخصص دارند، نمی‌توانند از طریق دستمزدی که به آنها پرداخت می‌شود، در حداقل

صفحه ۳

ستم و فشاری که امروز بر طبقه کارگر ایران اعمال می‌شود، در نوع خود کم سابقه است. نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران کارگران را در معرض بیرحمانه‌ترین ستم و استثمار قرار داده است. استثمار کارگران توسط سرمایه‌داران، تنها یک استثمار معمولی و مرسوم که در عموم کشورهای سرمایه‌داری وجود دارد و ذاتی این نظام است، نیست. اگر بطور معمول در نظام سرمایه‌داری

### اطلاعیه سازمان:

## رژیم جمهوری اسلامی بازهم جنایت دیگری آفرید!

صفحه ۲

## جایگاه رفسنجانی و جناحش در حکومت اسلامی

جناحهای حکومتی بر سر کسب این پست تشدید خواهد شد. چه کسی و از کدام جناح این سمت را در دست خواهد گرفت؟ رفسنجانی، عنصری که نقش مؤثر و مهمی در برپایی حکومت اسلامی و ادامه‌اش تا لحظه کنونی داشته است بعد از آن چه خواهد کرد؟ حذف رفسنجانی از ریاست جمهوری آیا حذف وی بعنوان عنصری با نفوذ در دستگاه

صفحه ۴

چیزی به اتمام دوره ریاست جمهوری رفسنجانی که دو دور پشت‌سرهم عهده‌دار این پست بوده نمانده است. تلاش و پیشنهاد هواخواهان وی مبنی بر تغییر قانون اساسی بنحوی که وی بتواند یکدوره دیگر هم در این سمت باقی بماند، بجائی نرسید. رفسنجانی "قانوناً" میبایستی جای خود را به شخص دیگری واگذار نماید. اینموضوع از هم اکنون روشن است که منازعه و درگیری میان

### تاریخ مختصر جنبش بین‌المللی کارگری ۱۵

از میان نشریات

یادداشت‌های سیاسی

اخباری از ایران

اخبار کارگری جهان

مصاحبه با دبیر اول کنفدراسیون کارگران کوبا

پاسخ به سوالات

صفحه ۵

صفحه ۷

صفحه ۱۶

صفحه ۶

صفحه ۱۵

صفحه ۱۰

صفحه ۱۶

## تحولات سیاسی خاورمیانه

انتخابات اخیر اسرائیل و پیروزی ائتلاف راست افراطی به رهبری حزب لیکود بر حزب کارگر، موجی از نگرانی را در میان دولتهای عرب و حکومت خودمختار فلسطینی برانگیخته است. این نگرانی از آن روست که نیروهای این ائتلاف از مدتها پیش مخالفت خود را با ادامه روند صلح وسازش بر مبنای تعهدات کنفرانس مادرید و توافق‌های صورت گرفته، ابراز داشته، و آشکارا اعلام کرده‌اند که به این توافقات پای‌بند نیستند. پس از پیروزی نیز همچنان بر مفاد پلاتنفرم خود پای می‌نشانند که تشکیل دولت فلسطینی را مردود می‌دانند، بر سر مسئله اورشلیم شرقی مذاکره‌ای نخواهند داشت. بلندی‌های گولان را تخلیه نخواهند کرد و آبادی‌نشین‌های یهودی را در مناطق اشغالی توسعه خواهند داد. این ائتلاف حتی پیشنهاد کرده است که یک کنفرانس جدید تشکیل شود. این موضوع در ظاهر امر یعنی کازلم یکن اعلام کردن توافقات و تعهدات ۵ سال گذشته و به بن‌بست رسیدن مذاکرات. چرا در ظاهر امر؟ چون در واقعیت، این مذاکرات در ۵ سال گذشته نیز نتیجه ملموسی در پی نداشته و مداوماً با بن‌بست روبرو بوده است. نه سرزمین‌های سوریه به این کشور بازگردانده شد، نه جنوب لبنان تخلیه شد و نه مردم فلسطین به حقوق خود دست یافتند. بنابراین، بن‌بست از گذشته نیز وجود داشته است و علت آن همانا در این واقعیت نهفته است که هیچیک از احزاب و جناحهای قدرت در اسرائیل، حق مردم فلسطین را در تعیین سرنوشت خود نمی‌پذیرند و حاضر نیستند بی‌قید و شرط اراضی اشغالی کشورهای عرب را باز پس دهند. تفاوت در این است که حزب کارگر بر سر برخی مسائل در قبال امتیازاتی که از اعراب می‌گرفت انعطاف بیشتری از خود نشان می‌داد و ائتلاف جدید نه اینکه

صفحه ۲



## ابعاد هولناک استثمار کارگران در ایران

مکن، زندگی خود و خانواده‌شان را تأمین کنند. اما استثمار وحشیانه کارگران تنها در این واقعیت خلاصه نمی‌شود که سرمایه‌داران با کاهش دستمزد واقعی کارگران به پایین‌تر از مرز حداقل تأمین معیشت، استثمار را دو چندان کرده و کارگران را به فقر مطلق کمرشکنی سوق داده‌اند، بلکه عملاً بطور مطلق ساعات کار را نیز افزایش داده‌اند و به استثمار ابعاد حیرت‌آوری داده‌اند. این واقعیت ظاهراً قابل رویت نیست. نه دولت و نه سرمایه‌داران هیچ‌یک رسماً ساعات کار را افزایش نداده‌اند. کسی به اجبار کارگران را مجبور نمی‌کند که ساعات بیشتری کار کنند و محدوده‌های روزانه کار را به ۱۲ و حتی ۱۶ ساعت بسط دهند. بلکه افزایشی عملی است که ظاهراً داوطلبانه نیز می‌باشد. عموماً وضع بدین منوال است که دستمزدی که کارگر در ازای ۸ ساعت کار روزانه دریافت می‌کند، آنقدر ناچیز است که به زحمت می‌تواند جبران کننده نیمی از هزینه‌های خوراک، لباس، مسکن، درمان و دیگر هزینه‌های روزمره یک خانواده کارگری باشد. لذا کارگران عموماً در وضعیت موجود راهی جز این نمی‌بینند که در ازای یک دستمزد ناچیز ۴ تا ۸ ساعت دیگر در همان کارخانه و یا محل دیگر به کار ادامه دهند، یعنی می‌شود روزانه ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار، تا از اینطریق شاید بتوانند در همان محدوده حداقل معیشت، هزینه‌های روزمره را تأمین کنند. لذا در عمل آنچه که وجود دارد، در یک سطح عمومی، افزایش روزانه کار کارگران به ۱۲ و حتی بیشتر است. افزایشی که تباهی وحشتناک جسمی و روحی کارگران را بیار آورده است. کارگری که روزی ۱۲ و حتی ۱۶ ساعت کار میکند، از نظر جسمی و روحی چنان فرسوده می‌شود که به زودی از پای در می‌آید. دیگر حتی عمری نخواهد داشت که به سن بازنشستگی برسد. این البته در حالی است که کارگر در نتیجه ناپیمنی محیط کار و فشارهای جسمی و روحی در محیط کار، دچار سانحه نشود و جان خود را از دست ندهد. این حقیقت هم بر کسی پوشیده نیست که حتی بر طبق گزارشهای رسمی حکومت، هر ماه چندین هزار کارگر دچار سوانح ناشی از کار می‌شوند، دهها و صدها تن جان می‌بازند و هزاران تن با از دست دادن یکی از اعضاء بدن خود، و یا امراض ناشی از حرف و محیط کار علیل و ناتوان می‌شوند. دلایل این مسئله هم بر کسی پوشیده نیست. حتی ارگانهای رسمی حکومت در ارزیابی ابعاد گسترده سوانح ناشی از کار، قبل از هر چیز به این واقعیت اشاره می‌کنند که فقدان وسائل ایمنی باعث سوانح ناشی از کار است. سرمایه‌داران تنها به تشدید استثمار کارگران از طریق امتداد کار روزانه و کاهش دستمزد واقعی کارگران قانع نیستند، آنها برای کسب سود هر چه

بیشتر، از ایمن ساختن محیط کار که متضمن مخارجی برای آنهاست سرباز می‌زنند. نتیجه این امر، امراض و سوانح ناشی از کار است. در چنان ابعادی که تنها طی یک ماه متجاوز از ۶ هزار کارگر دچار سوانح ناشی از کار می‌شوند، بدیهی است که خستگی ناشی از ساعاتی طولانی کار و فشارهای عصبی ناشی از آن نیز نقش دارند که ارگان‌های رسمی حکومت بعنوان بی‌دقتی کارگر از آن یاد می‌کنند و آنرا یکی از علل گسترده‌ی سوانح ناشی از کار می‌دانند.

تحت چنین شرایط وحشتناکی که کارگران در آن قرار دارند و استثمار می‌شوند، شمشیر اخراج سرمایه‌دار نیز هر لحظه بر بالای سر آنهاست. این اخراج تنها به علت بحران اقتصادی نیست، کارفرمای مطلق‌النعان هر لحظه که اراده کند و با هر اعتراض کارگران، بدون واهمه دست به اخراج کارگران می‌زند. البته کارگران اعتراض می‌کنند، دست به مبارزه دسته‌جمعی لاقفل در سطح یک کارخانه می‌زنند اما در بسیاری از موارد نمی‌توانند جلوی تعرضات افسارگسیخته سرمایه‌داران را سد کنند و دلیل آن بی‌حقوقی مطلق کارگران در کشوری است که دیکتاتوری عریان و آشکار اعمال می‌شود. در اینجا در حالی که دست سرمایه‌داران کاملاً باز است و هیچ قانون و مقرراتی آنها را محدود نمی‌کند و دولت سرمایه‌داران، هر اعتراض کارگران را با سرکوب پاسخ می‌دهد، کارگران از ابتدائی‌ترین حقوقی که طبقه کارگر در بسیاری از کشورهای جهان از آن برخوردار است، یعنی حق تشکل آزادانه و مستقل و حق اعتصاب محروم‌اند. یعنی در واقع هیچ ابزار قانونی مبارزه متشکل و دسته‌جمعی ندارند تا در برابر قدرت متشکل سرمایه‌داران بشکلی متشکل مبارزه کنند و لاقفل در چارچوب همین نظم غیرانسانی سرمایه‌داری، جلوی این همه تعرضات، فشارها و تعرضات افسارگسیخته سرمایه‌داران را در محدوده‌ای بگیرند. یک واقعیت بدیهی، ملموس و عریان را که هیچکس منکرش نیست در نظر بگیریم. دولت اعلام کرده است که نرخ رشد تورم در سال گذشته نزدیک به ۶۰ درصد بوده است و در مورد چندماه گذشته نیز آمار مشابهی ارائه می‌شود، اما دولت در اسفندماه سال گذشته، اعلام کرد که ۲۲/۵ درصد به پایه دستمزد کارگران افزوده می‌شود. این یعنی تنزل سطح معیشت کارگران به حدود نصف، کسی هم نیست که سنوآل کند، چرا در حالیکه خودتان اعلام می‌کنید، نرخ رشد تورم حدود ۶۰ درصد بوده است و این روند ادامه دارد، پایه دستمزد اسمی کارگران باید ۲۲/۵ درصد افزایش یابد. کارگران همگی این واقعیت را می‌دانند و می‌بینند که چگونه دستمزد

واقعی آنها تنها طی یک سال متجاوز از یک سوم کاهش یافته است. اما نمی‌توانند سرمایه‌داران و دولت آنها را وادارند که دستمزدها را لاقفل هم‌پای رشد نرخ تورم افزایش دهند. چرا که فاقد یک تشکل مستقل و سراسری هستند و کارگرانی را هم که در این یا آن کارخانه اعتراض می‌کنند، اغلب با زور سرکوب مهار می‌نمایند. آری تحت چنین شرایطی است که سرمایه‌داران، کارگران را به بیرحمانه‌ترین شکل ممکن استثمار می‌کنند و وخامت وضعیت زندگی کارگران تا بدان حد است که در چند دهه گذشته بی‌سابقه بوده است. این واقعیت آنقدر بدیهی و روشن است که حتی روزنامه کاروکارگر، ارگان تشکیلات ضدکارگری وابسته به دولت را نیز به اعتراض واداشته است.

این روزنامه اخیراً طی مصاحبه‌ای با چندتن از کارگران نظر آنها را در مورد سطح پایین دستمزدها، ناپیمنی محیط کار و فقدان امنیت شغلی سنوآل کرده است که در اینجا خلاصه‌ای از آن ذکر می‌گردد.

کاروکارگر بعنوان مقدمه اظهار نظر می‌کند که "پایین بودن سطح دستمزد و حقوق کارگران به نسبت نرخ رشد تورم و گرانی عمومی موجود، عدم اجرای کامل قانون کار در محیط‌های کارگری، عدم امنیت شغلی کامل برای کارگران در محیط‌های کارگری و نیز قراردادن کارگران در معرض انواع و اقسام حوادث و خطرات ناشی از کار بدون حمایت‌های ویژه لازم، ازجمله مهمترین مسائل و مشکلات کارگران را در شرایط حاضر تشکیل می‌دهد." سپس به درج مصاحبه‌ها می‌پردازد. یک کارگر تراشکار که ۲۵ سال سابقه کار دارد می‌گوید: در حال حاضر محوری‌ترین مسئله‌ای که فشار زیادی متوجه کارگران نموده "پایین بودن حقوق به نسبت گرانی موجود در جامعه می‌باشد." "میزان حقوق کارگران در سال تنها یک مرتبه، آن هم به مقدار ناچیزی افزایش می‌یابد و این در حالی است که قیمت اجناس و کالاها و مایحتاج عمومی بدون اغراق هر روز در حال افزایش است و هر روز این شکاف و بی‌تناسبی بین حقوق کارگران و هزینه‌های زندگی شدت بیشتری می‌گیرد." وی در زمینه فقدان امنیت شغلی کارگران در محیط کار از کمترین میزان امنیت شغلی بهره‌مند می‌باشند و حتی هر روز در این انتظار هستند که کارفرما عذر آنان را بخواهد." کاروکارگر در مورد نظر کارگری که اخیراً اخراج شده است چنین می‌نویسد: "در منطقه جنوب شرقی تهران، کارگری که در کنار یکی از خیابانهای منتهی به افسریه ایستاده است، در پاسخ به این سنوآل که وضعیت کارگران را در محیط کار و زندگی اجتماعی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ می‌گوید تا سه ماه پیش در یکی از کارخانه‌های سنکبری دولت‌آباد مشغول به کار بودم، ولی در اعتراض به صاحب کارخانه و

## ابعاد هولناک . . .

درخواست افزایش حقوق و کاهش حجم سنگین کار اخراج شدم. در این مدت سه ماه بیکاری به کارخانه‌ها و کارگاه‌های سنگفروشی زیادی در این حوالی مراجعه کرده‌ام ولی هیچکدام به من کار نداده‌اند و هم‌اکنون سرگردان و بلا تکلیف به دنبال کار می‌گردم. از لحاظ اقتصادی در شرایط بحرانی بسر می‌برم و در تأمین غذای خانواده درمانده‌ام.

" يك کارگر شرکت خصوصی نیز در خصوص وضعیت اقتصادی و اجتماعی کارگران می‌گوید: بسیاری از کارگران در بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی در شرایط نامطلوبی قرار دارند و به عبارتی مورد بهره‌کشی واقع می‌شوند. بسیاری از کارفرمایان تمایل دارند، کارگرانی چشم و گوش بسته و ساده داشته باشند و به عبارتی غلام حلقه به گوش صاحب خود باشند.

کارفرمایان از کارگران خود توقع دارند، تا نهایت جان، کار و تلاش کنند، به جز کار به چیز دیگری فکر نکنند و به قول معروف موی دماغ کارفرما و صاحب کار نشوند و به غیر از طلب دستمزد روزانه درخواست مزایایی نداشته باشند.

این مختصر سخنان خود کارگران که تنها به جنبه‌هایی از فشار، ستم و استثمار کارگران اشاره دارد، حاکی است که کارگران هیچگونه توهمی به سرمایه‌داران و دولت آنها ندارند. با این همه، روزنامه کاروکارگر باز هم تلاش می‌کند که کارگران را به الطاف سران حکومت امیدوار سازد و از مقامات حکومتی و دست‌اندرکاران ارگانه‌های کارگری رژیم می‌خواهد که به این انبوه دشواری‌ها و معضلات کارگران رسیدگی کنند. اما کارگران ایران آنقدر تجربه آموخته و آگاه شده‌اند که دیگر به وعده‌هایی از این دست اعتنا نکنند. همانگونه که از پاسخ‌های کارگران در این مصاحبه مشهود است، کارگران خواهان نفی بهره‌کشی هستند. کارگران خواهان امنیت شغلی هستند و غیره، این بدان معناست که کارگران خواستار برافتادن نظم سرمایه‌داری و برقراری نظام سوسیالیستی هستند. چرا که در اینجا است که حق کار می‌تواند پذیرفته شود و بهره‌کشی نفی گردد. اما برای اینکه کارگران برآستی بتوانند نظم سرمایه‌داری را سرنگون کنند و نظام کمونیستی را مستقر سازند، باید بصورت يك طبقه متشکل شده باشند. باید از این حق برخوردار شده باشند که آزادانه و مستقل در تشکلهای طبقاتی سیاسی و صنفی خود متشکل گردند. بدیهی است که مادام رژیم جمهوری اسلامی بر سر کار است و آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک، از عموم سلب شده است، کارگران نیز از حق تشکل آزادانه، از حق آزادی اعتصاب و غیره نیز محروم‌اند. لذا حتی بدست آوردن این حقوق و آزادی‌ها که بدون آنها طبقه کارگر نمی‌تواند اهداف عالی سوسیالیستی خود را تحقق بخشد، لازمه‌اش سرنگونی جمهوری اسلامی و به دست گرفتن قدرت سیاسی توسط کارگران و زحمتکشان است.